

## **Republic of Azerbaijan's Strategy and Behavioral Pattern in the Confrontation between the Islamic Republic of Iran and Israel**

**Mohammad Rajabi<sup>1</sup>**

Assistant Professor, Department of Security, Disciplinary and Social  
Sciences, Disciplinary Sciences and Social Studies Research Institute

(Date received: 13 May 2022- Date approved: 17 August 2022)

### **Abstract**

**Introduction:** After the independence of the Republic of Azerbaijan as a Muslim republic in the neighborhood of Iran, Tehran and Baku were expected to establish close and stable relations despite their historical, cultural and religious ties; but in fact, Iran and the Republic of Azerbaijan experienced tense and turbulent relations and Baku established closer relations with Iran's enemies and rivals including Israel.

**Research Question:** "What strategy and behavior pattern does the Republic of Azerbaijan follow in the confrontation between the Islamic Republic of Iran and Israel?"

**Research Hypothesis:** In confrontation between the Islamic Republic of Iran and Israel, the Republic of Azerbaijan follows the strategy and behavioral pattern of balancing the threat.

**Methodology (and Theoretical Framework if there are):** This study uses a combination of constructivist and threat balance theories. The qualitative method of systematic review has been used to examine the components of the question and the main tool for data collection in this research is library studies.

**Results and Discussion:** Although the Shiite religious commonality and the historical cultural commonality between the nations of Iran and Azerbaijan are very deep-rooted, the orientation of the foreign policy of the two countries in bilateral, regional and international relations has been formed by relying on other sources of identity. The Republic of Azerbaijan feels threatened by the Shiite religious unity and the Persian-Turkish dichotomy, and therefore tries to replace it

---

<sup>1</sup>E-mail: m52.rajabi@gmail.com

with the conflicting political identity of Iran and the Israel by using a strategy of balancing the threat. The Israel regime, with its Jewish-Zionist identity has become a strategic partner of the Republic of Azerbaijan and the Islamic Republic of Iran has been placed in an "other" position for Baku.

By using the strategy of balancing threats at the domestic and regional level, the Republic of Azerbaijan has been able to adjust its behavioral pattern in the face of the confrontation between the Islamic Republic of Iran and Israel. Despite the fundamental confrontation between Iran and Israel, by establishing relations with Israel and expanding these relations and creating insecurity on Iran's borders, Baku is trying to force Tehran to interact with it and reconsider its relations with Armenia. In addition to Baku's sense of threat from Iran, other causes and motives are also involved in this relationship Such as: geostrategic considerations in relation to Tel Aviv and subsequently strategic considerations in relation to the West, military modernization of the Republic of Azerbaijan, economic interests in energy relations and also the issue of the liberation of Karabagh.

At the geopolitical level, introducing Iran as a common enemy is the most important element of the alliance between Baku and Tel Aviv. In other words, one of the factors influencing the joint and complementary strategic views of Baku and Tel Aviv is the role of the Republic of Azerbaijan in the peripheral strategy of the Israeli regime. Based on this peripheral strategy, Israel is trying to bring the threat of its presence closer to Iran's borders by expanding relations with the Republic of Azerbaijan. In fact, using the constructivist theory, it can be said why the political-religious and ethnic identity of the Republic of Azerbaijan and the Islamic Republic of Iran has become one of the most important sources of strengthening Baku-Tel Aviv relations.

Conclusion: In general, the strategic relations between Baku and Tel Aviv cannot be fully explained without considering the Iranian component. By using the strategy of balancing threats - at the domestic and regional level - the Republic of Azerbaijan has been able to adjust its behavioral pattern in the face of the confrontation between the Islamic Republic of Iran and Israel.

The identity conflict between the Republic of Azerbaijan and the Islamic Republic of Iran has created different approaches to security

which has affected any desire for close relations between the two nations. Unlike Iran's prominent Shiite political identity, the Republic of Azerbaijan seeks its security in joining the rival identity of Tehran that is Israel. The relationship with the Israeli regime also guarantees Baku's multiple goals in terms of security approaches. In fact, the behavioral pattern of the Republic of Azerbaijan has turned the Iranian-Azeri identity conflict or in other words, the Iranian Shiite revolution against Azerbaijan's secular system, into Iran-Israel conflict.

**Keywords:** Republic of Azerbaijan, Islamic Republic of Iran, Israel, Constructivism, Balance of Threat

## راهبرد و الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان در برهم کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل

محمد رجیبی\*

استادیار، پژوهشکده امنیتی، انتظامی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۶)

### چکیده

پس از استقلال جمهوری آذربایجان به عنوان جمهوری مسلمان نشین در همسایگی ایران، انتظار می‌رفت تهران و باکو با وجود پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی، روابطی نزدیک و پایدار داشته باشند، اما ایران و جمهوری آذربایجان روابط پرتنش و پرفرازونشیبی را تجربه کردند. باکو روابط نزدیک‌تری را با دشمنان و رقیبان ایران از جمله اسرائیل شکل داد. در این نوشتار در پی یافتن مبنای شکل‌گیری سه‌گانه جمهوری آذربایجان، ایران و اسرائیل به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل از چه راهبرد و الگوی رفتاری پیروی می‌کند؟ این فرضیه مطرح است که جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل از الگو و راهبرد موازنه تهدید پیروی می‌کند. با توجه به تأکید نظریه موازنه تهدید بر عوامل بین‌ذهنی به‌ویژه مؤلفه هدف‌های تهاجمی، در این نوشتار از ترکیب نظریه‌های سازه‌انگاری و موازنه تهدید استفاده می‌کنیم. برای استخراج مؤلفه‌های مورد پرسش، از روش کیفی مرور نظام‌مند بهره می‌گیریم. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این نوشتار، مطالعات کتابخانه‌ای است. جمهوری آذربایجان با استفاده از راهبرد موازنه تهدید در سطح داخلی و منطقه‌ای توانسته است الگوی رفتاری خود را در رویارویی با برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تنظیم کند. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر ایران کنشی و در برابر اسرائیل واکنشی است.

واژگان اصلی: جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، اسرائیل، سازه‌انگاری، موازنه تهدید.

## مقدمه

فروپاشی اتحاد شوروی بر ژئوپلیتیک ایران هم تأثیر گذاشت. پنج جمهوری از پانزده جمهوری نواستقلال در همسایگی ایران قرار داشتند که هرکدام فرصت‌ها و تهدیدهای جدید برای ایران بودند. بر این اساس استقلال جمهوری آذربایجان نیز برای تهران، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی به همراه داشت. به لحاظ نظری انتظار می‌رفت روابط تهران و باکو با وجود پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی روابطی نزدیک و پایدار باشد، اما در عمل، عوامل همگرایی در برابر عوامل واگرایی ناکام مانده و ایران و جمهوری آذربایجان روابط پرتنش و پرفرازونشیبی را تجربه کرده‌اند. علاوه بر آن جمهوری آذربایجان روابط نزدیک‌تری را با دشمنان و رقیبان ایران از جمله اسرائیل شکل داد و در دوره‌های مختلف، زمینه را برای تهدید امنیت ملی ایران فراهم کرد. در این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل از چه راهبرد و الگوی رفتاری پیروی می‌کند؟ این فرضیه مطرح است که جمهوری آذربایجان برای مدیریت ضعف‌ها، تهدیدهای ریشه‌ای و تأمین امنیت و منافع خود، در برهم‌کنش میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل از الگو و راهبرد موازنه تهدید استفاده کرده و کوشیده است با کاربست این راهبرد مجموعه روابط خارجی خود را با ایران و اسرائیل تنظیم کند. برای آزمون فرضیه، چرایی و مبنای وجود این احساس تهدید و رفتارهای تهاجمی و تداوم این شرایط در دهه‌های گذشته بررسی می‌شود. داده‌های خبری و تحلیلی مورد استناد در این مقاله با فیش‌برداری از منابع معتبر چاپی و الکترونیکی گردآوری شده و بر اساس مؤلفه‌های موثر بر الگوی راهبردی جمهوری آذربایجان در رابطه با ایران و اسرائیل مورد استناد قرار گرفته‌اند. روش کیفی در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل روندهای تاریخی و موجود است که به تبیین ابعاد روابط دوجانبه جمهوری آذربایجان با ایران و اسرائیل بر اساس نظریه موازنه تهدید کمک می‌کند. همچنین ابعاد روابط دوجانبه جمهوری آذربایجان با ایران و اسرائیل را بر اساس نظریه موازنه تهدید و مؤلفه‌های این نظریه بررسی می‌کنیم.

لازم است دلایل احساس تهدید و هدف‌های تهاجمی این بازیگران نیز در توجیه چرایی کاربست راهبرد موازنه تهدید تبیین شود. بنابراین وجود یک رویکرد نظری دیگر ضروری است. از آنجا که هر سه بازیگر جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، بازیگرانی با هویت‌های متعارض هستند، در این نوشتار از ترکیب نظری سازه‌انگاری و موازنه تهدید بهره می‌گیریم. یکی از مهم‌ترین نتایج توجه و بررسی تعارض هویت این بازیگران و آثار آن بر سیاست خارجی آنها، شناخت تفاوت‌های موجود میان دولت‌ها، دلایل دوستی و دشمنی پایدار میان آنهاست. بر اساس نظریه سازه‌انگاری دولت‌های گوناگون بر اساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در برابر آنها دارند.

روش پژوهش در این نوشتار مانند بسیاری از پژوهش‌های معمول در موضوع‌های سیاست خارجی، روش کیفی مرور نظام‌مند است. بر اساس این روش، داده‌های خبری و تحلیلی پژوهش، متناسب با منطق پژوهشی نوآورانه و در جهت پاسخ به پرسش اصلی و حمایت از فرضیه پژوهش مورد استناد قرار می‌گیرند. منطق پژوهش نیز تبیین جایگاه و اهمیت مؤلفه‌های مورد اشاره در چارچوب نظری است.

بر این اساس، در این نوشتار مؤلفه‌های مؤثر بر رویکرد متفاوت جمهوری آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل را از منابع معتبر انتخاب و استخراج و نقش روندهای تاریخی و موجود را تحلیل می‌کنیم. سرانجام الگوی راهبردی باکو در روابط با تهران و تل‌آویو را ارائه می‌دهیم.

### چارچوب نظری

الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان در مدیریت هم‌زمان روابط با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، راهبرد موازنه تهدید را به ذهن می‌رساند. بر اساس نظریه موازنه تهدید استفان والت که به‌عنوان بدیل نظریه موازنه قدرت کنت والتز پس از فروپاشی نظام دوقطبی شناخته می‌شود. دولت‌ها زمانی که نمی‌توانند در برابر بازیگران رقیب موازنه قدرت انجام دهند، به راهبرد موازنه تهدید متوسل می‌شوند. در موازنه تهدید چند متغیر مهم دخیل هستند: قدرت، مجاورت جغرافیایی، هدف‌ها و قابلیت‌های تهاجمی. نظریه موازنه تهدید در مکتب واقع‌گرایی طرح شده است، اما به دلیل تأکید بر اهمیت مؤلفه هدف‌های تهاجمی که امری بین‌ذهنی است، پیوندی نیز با نظریه سازه‌نگاری دارد. بر مبنای این نظریه، فضای بدبینی و اطمینان‌نداشتن بازیگران به یکدیگر، تفسیر آن‌ها از اقدام‌های همدیگر برای افزایش قدرت را به‌سوی احساس تهدید پیش می‌برد. در نتیجه، دلایل و هدف‌های تهاجمی و توانمندی تهاجمی آن‌ها را متأثر می‌سازد. در این میان، نسبت فاصله جغرافیایی با ظرفیت تهدیدزایی معکوس است. بدین معنا، هرچه فاصله جغرافیایی دولت‌ها کمتر باشد توانایی ایجاد تهدید آن‌ها برای همدیگر افزایش می‌یابد. به باور والت، بازیگران قدرتمند برای دیگر بازیگران مجاور تهدید محسوب می‌شوند (Walt, 2005).

الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل را می‌توان بر اساس نظریه موازنه تهدید توجیه کرد؛ اما همچنان این ابهام باقی می‌ماند که چرا مؤلفه هدف‌های تهاجمی میان جمهوری آذربایجان و ایران شکل گرفته و چرا احساس تهدید موجود در روابط باکو و تهران، نسبت به احساس تهدید در روابط باکو با دیگر همسایگان شدیدتر به‌نظر می‌رسد. با وجود مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی که می‌توانند عوامل قدرتمندی برای همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان باشند، این پرسش مطرح می‌شود که علت‌ها و عوامل واگرایی و درک تهدید شدیدتر میان دو کشور چیست؟ در حالی که در طرف برابر

کاربست نظریه موازنه تهدید به‌تنهایی برای توجیه گسترش روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل، با وجود اختلاف مذهبی شیعی و یهودی و روندهای تاریخی، پژوهشگر را دچار دشواری در تبیین علت‌های دقیق‌تر می‌کند.

در این نوشتار به دلیل متغیر مستقل بودن برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل و لزوم درک هم‌زمان ماهیت رفتار این بازیگران به‌ویژه در برهم‌کنش با همدیگر در رابطه با جمهوری آذربایجان، استفاده از نظریه سازه‌انگاری گریزناپذیر است. سازه‌انگاری تلاشی برای درک ماهیت رفتار دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در صحنه روابط بین‌الملل است. سازه‌انگاران به‌عنوان یکی از گروه‌های فکری پسااثبات‌گرایان شناخته می‌شوند. آنچه زمینه ورود سازه‌انگاری به روابط بین‌الملل را فراهم کرد، شکل‌گیری رویکردهای نظری در روابط بین‌الملل در عصر پسااثبات‌گرایی بود که بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مبتنی بود و از علوم اجتماعی برای تحلیل فرایندهای شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها و نقش آن‌ها بر محیط بین‌المللی بهره می‌برد. سازه‌انگاری تلاشی عمیق در حوزه فرانظری (هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) است. در واقع در نفی ذات‌گرایی شکل می‌گیرد، زیرا موضوع را امری شکل گرفته در تاریخ و زمینه می‌داند (Gergon, 1997).

سازه‌انگاران در سطح تحلیل نگاه متنوعی دارند. الکساندر ونت، مهم‌ترین نظریه‌پرداز سازه‌انگاران در نظریه‌های خود تفاوت ویژه‌ای بین هویت اجتماعی<sup>۲</sup> و هویت سازمانی<sup>۳</sup> (تصویر کلی یا بصری) دولت‌ها قائل است (Wendt, 1994: 384-396). بر اساس تعریف‌های ارائه‌شده، دولت‌ها دو هویت متفاوت دارند: یکی هویت جمعی آن‌ها است که شامل شاخص‌های انسانی، سرزمینی، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک است که به‌نوعی شخصیت ملی آن‌ها را شکل می‌دهد و دیگری هویت سازمانی آن‌هاست که به ویژگی‌های منحصربه‌فرد دولت‌ها بازمی‌گردد. ونت قائل به وجه دیگری از هویت دولت‌ها است که از آن به‌عنوان هویت اجتماعی<sup>۴</sup> یاد می‌کند که عبارت است از معنایی که کنشگر در نگاه به دیگران به خود می‌دهد یا تصویری که از خود در نگاه دیگران می‌سازد. در این نوشتار می‌خواهیم با توجه به چارچوب نظری سازه‌انگاری و نقش هویت بر سیاست خارجی بازیگران دولتی، درکی دقیق از سیاست خارجی ماهوی بازیگران مورد بحث، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر و هدف‌ها و انگیزه‌های سیاست‌گذاران سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در روابطشان ارائه دهیم. کاربست سازه‌انگاری، درک مفهومی - نظری از هویت اجتماعی و

1 Essentialism

2 Social identity

3 Corporate identity

4 Social identity

سازمانی این بازیگران فراهم می‌کند و دلایل وجود هدف‌های تهاجمی و درک تهدید میان آن‌ها و رجوع این بازیگران به راهبرد موازنه تهدید را توجیه می‌کند. انتخاب چارچوب نظری ترکیبی سازه‌نگاری و موازنه تهدید نشان می‌دهد که این نوشتار، عناصری تجربی و عناصر مفهومی و معرفت‌شناختی دارد.

### پیشینه پژوهش

بررسی آثار موجود درباره روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل نشان می‌دهد که بیشتر مطالب به شکل گزارش‌ها و یادداشت‌های تحلیلی با محوریت رویدادها هستند و آثار علمی-پژوهشی بیشتر معطوف به روابط دوجانبه ایران-جمهوری آذربایجان یا تقابل ایران و اسرائیل است.

ابراهیمی کیایی و زارعی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای که با عنوان «تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز» نوشته شده است و بیشترین ارتباط را با نوشته حاضر دارد، به طرح دغدغه‌های خویش درباره نبود تناسب روابط ایران با همسایگان شمالی خود نسبت به گسترش روابط اسرائیل با این کشورها می‌پردازند. یکی از موضوع‌های مورد بررسی در این مقاله تلاش راهبردی رژیم اسرائیل برای افزایش دامنه حضور در جمهوری آذربایجان با هدف تهدید منافع حیاتی ج.ا. ایران است. کلاتری و کاویانی‌فر (۲۰۲۰) نیز در مقاله خویش با عنوان «اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها» ضمن اولویت‌بندی حوزه‌های اصلی تهدیدزا برای امنیت ملی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، فعالیت‌های امنیتی دولت‌های رقیب از جمله اسرائیل در منطقه را به‌عنوان مهم‌ترین پویش تهدیدزا برمی‌شمارد. همچنین است ارزیابی سیاسی و امنیتی که ارمن و همکارانش (۲۰۱۳) در مقاله «مثلث ایران-اسرائیل-آذربایجان: پیامدهای امنیت منطقه‌ای» بر این نظرند که اگرچه روابط ایران و جمهوری آذربایجان از نظر تاریخی صمیمانه بوده است، اما مناقشه قره‌باغ، مسئله دریای خزر، تاثیرگذاری دو طرف بر مردمان یکدیگر و به‌ویژه، همکاری رو به رشد باکو با واشینگتن و تل‌آویو از جمله مسائلی است که این دو کشور را از یکدیگر دور ساخته است. در سوی دیگر، روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل به‌ویژه از سال‌های دهه ۱۹۹۰ در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی توسعه یافته است. این در حالی است که روابط تهران و تل‌آویو پس از انقلاب اسلامی، روزبه‌روز تیره‌تر شده است. به نظر نویسندگان، در صورتی که فضای دشمنی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل تشدید شود، این امکان وجود خواهد داشت با توجه به موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان، باکو به عرصه نبرد مخفی تهران - تل‌آویو تبدیل شود.

قلی‌پور آذر (۲۰۱۴) نیز در مقاله «بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» در مورد مثلث جمهوری



آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل بر این نظر است که اسرائیل با استفاده از راهبرد نفوذ پیرامونی، با جمهوری آذربایجان رابطه برقرار کرده و ضمن مقابله با نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان، به دنبال دسترسی سرزمینی برای جاسوسی و تهدید امنیت ملی ایران است. با همین استدلال، سوزن (۲۰۱۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش جمهوری آذربایجان در اتحاد پیرامونی اسرائیل» به بررسی نقش باکو در راهبرد پیرامونی این کشور پرداخته است. راهبردی که اسرائیل بر اساس آن برای رهایی از خطر انزوا در برابر اتحاد دولت‌های عربی در پی گسترش روابط با دولت‌های مسلمان غیرعرب برآمد.

رفعت‌نژاد و دیگران (۲۰۱۶) نیز در مقاله «زمینه‌های راهبردی حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان» با استفاده از مصاحبه با خبرگان و تحلیل و رتبه‌بندی مؤلفه‌های استخراجی، دلایل وابستگی متقابل و منافع همگرایی باکو و تل‌آویو را ارزیابی کرده‌اند که براساس آن، مؤلفه هم‌جواری جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه همگرایی شناسایی شده است. مارینسون (۲۰۱۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان» با بررسی نقش ادراک راهبردی و مکمل باکو و تل‌آویو در تأمین منافع یکدیگر، می‌نویسد جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در همسایگی ایران، مؤلفه‌ای مهم در افزایش اهمیت باکو برای تل‌آویو است. همچنین، امیدی و خیری (۲۰۱۶) نیز در مقاله خود با عنوان «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی ایران» بیشتر بر موازنه ژئوپلیتیک در روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل متمرکز بوده‌اند. همچنین مؤمنی و رحیمی (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «تقابل ایران و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی-امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان»، با تحلیلی سازه‌انگارانه بر این نظرند که تحول در روابط میان ایران و اسرائیل پس از انقلاب اسلامی ایران که روابط میان آنها را از اتحاد راهبردی به تخصص و ضدیت با موجودیت یکدیگر تبدیل ساخته، سبب ورود بازیگران جدید در این تضاد هویتی و منفعتی شد. باکو از مهم‌ترین بازیگرانی است که به‌دلیل جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه در نزدیکی مرزهای ایران و نیز ظرفیت‌های بالقوه‌ای مانند قوم‌گرایی و ساختار سیاسی غیردینی، مورد نظر سیاستمداران اسرائیل واقع شده است.

این پژوهش با تمرکز بر تبیین نظری و تحلیل بنیاد روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل به دنبال این است که با استخراج الگوی راهبردی باکو در برابر رویارویی تهران-تل‌آویو، ادبیات علمی جدیدی را در موضوع پژوهش تولید کند و نوآوری آن روشن می‌شود.

### کاربست نظریه سازه‌انگاری در نقش و جایگاه متقابل باکو، تهران و تل‌آویو

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، در حالی که با توجه به پیوندهای تاریخی و فرهنگی دیرینه میان دو ملت ایران و جمهوری تازه‌تأسیس آذربایجان،

تهران و باکو می‌توانستند برای یکدیگر شریک‌های راهبردی باشند، اسرائیل با هویت یهودی صهیونی به شریک راهبردی جمهوری آذربایجان تبدیل شد و جمهوری اسلامی ایران در جایگاه «دیگری» برای باکو قرار گرفت. سازه‌انگاری با تأکید بر نقش هویت بر سیاست خارجی کشورها، می‌تواند چرایی تغییر جایگاه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل برای جمهوری آذربایجان را تبیین کند.

### الف) برهم‌کنش هویت مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ و به‌ویژه، با روی‌کارآمدن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مسئله فلسطین و برهم‌کنش با اشغالگری اسرائیل به یکی از برجسته‌ترین چرخشگاه‌های سیاست خارجی ایران از نظام سیاسی شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تبدیل و به تدریج بر میزان اهمیت آن نیز افزوده شد. از سوی دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی مفاهیمی همچون اُمت‌محوری، استقلال، عدالت، نه شرقی و نه غربی، اُم‌القری را وارد فرایند سیاست خارجی ایران کرد و جهت‌گیری‌های آن را دچار دگرگونی عمیق کرد.

جهت‌گیری تهران در برابر اسرائیل که از آن به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب یاد می‌شود بر منابع هویتی شیعی متکی است (Aghaee and Rasooli, 2009: 5). اسلام‌گرایی، ظلم و سلطه‌ستیزی از مهم‌ترین ارزش‌های شیعی و مستند به آیات قرآن، حدیث‌ها و روایت‌های معتبرند. ریشه این مفاهیم به آیه ۱۴۱ سوره نساء «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» بازمی‌گردد که به قاعده نفی سبیل نیز معروف است. در فقه شیعه این قاعده به نفی هرگونه سلطه و اعمال اقتدار از سوی غیرمسلمانان بر مسلمانان تفسیر می‌شود. از این رو، جمهوری اسلامی ایران که اسرائیل را نماد سلطه و ارزش‌های استعماری غربی می‌داند و هرگونه سازش با آن را رد می‌کند، ملزم به مبارزه تاریخی با این رژیم است. قطع رابطه ایران با اسرائیل بلافاصله پس از انقلاب، بازگشایی سفارت فلسطین در ایران، معادل قرارداد اسرائیل و رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، قطع رابطه با مصر در واکنش به قرارداد کمپ دیوید میان قاهره و تل‌آویو، مخالفت‌های مکرر با هرگونه سازش میان اعراب و اسرائیل و قطعی دانستن نابودی این رژیم، سیاست ایران در برابر اسرائیل تاکنون بوده که از مصادیق احساس تعهد به مبارزه تاریخی با اسرائیل است.

در برابر، اسرائیل در چهار دهه اخیر تلاش کرده است جنگ عبری‌عربی را نه تنها به جنگ غربی‌ایرانی، بلکه به برهم‌کنشی جهانی علیه ایران تبدیل کند و خود را در حاشیه‌ای امن قرار دهد. برقراری روابط با همسایگان ایران از جمله اقلیم کردستان عراق یا جمهوری آذربایجان با ارائه امتیازهای اقتصادی و فنی در برابر برخورداری از برتری جغرافیایی برای انجام اقدام‌های مخرب علیه امنیت ملی ایران از این اقدام‌ها بوده است. در همین حال، اسرائیل به یکی از عوامل مؤثر در بحران‌سازی برنامه هسته‌ای ایران و اقدام‌های خرابکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران

تبدیل شده است (Navon, 2020: 161). این رژیم در چارچوب راهبرد نظامی و امنیتی خود موسوم به مومنتوم که از ژانویه ۲۰۲۰ اجرایی شد، با نشان دادن جمهوری اسلامی ایران در جایگاه تهدیدی نزدیک بر مهار قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران با کاربست تاکتیک‌هایی تهاجمی‌تر تأکید کرده است. از این رو، اسرائیل با تجدیدنظر در مفهوم پیروزی از «تصرف سرزمین» به «از میان بردن حداکثر قابلیت‌های حریف در کمترین زمان و با پایین‌ترین هزینه و تلفات» می‌خواهند با تأسیس واحد ایران زیرمجموعه ساختار ارتش، بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی، افزایش کمیت و کیفیت تسلیحات و تمرکز بر جنگ شهری، سطح کنشگری خود را در برهم‌کنش با جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش افزایش دهند (Rajabi, 2021: 94).

**ب) برهم‌کنش هویت قومیتی و مذهبی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران**

هرچند پیوندهای مذهبی-شیعی و پیوندهای فرهنگی - تاریخی میان ملت‌های ایران و جمهوری آذربایجان بسیار عمیق و ریشه‌دار هستند، جهت‌گیری سیاست خارجی دو کشور در روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با تکیه بر دیگر منابع هویتی شکل گرفته است. در دهه اول حیات سیاسی جمهوری آذربایجان، پس از استقلال از شوروی، گفتمان انقلابی و راهبرد صدور انقلاب ایران، معیاری برای ارزیابی دوست و دشمن از سوی باکو برآورد می‌شد؛ اما در دو دهه اخیر، به نظر می‌رسد اختلاف‌های جغرافیایی، تاریخی و قومیتی بر روابط دو کشور تسلط بیشتری دارند. مهم‌ترین دلیل بدبینی، نداشتن اطمینان و درک تهدید در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نسبت جغرافیایی، تاریخی و قومیتی است. جمهوری آذربایجان تا دوره حکومت قاجار بخشی از خاک ایران بوده است و بستن پیمان‌های گلستان و ترکمنچای، به جدایی این منطقه از ایران منجر شد. پیمان‌هایی که در داخل ایران موضوع مناقشه و حسرت تاریخی هستند. همچنین حضور آذری‌ها به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های قومی در ایران، به نگرانی‌های امنیتی ایران در زمینه موجودیت حکومتی با تأکید بر هویت قومی دامن زده است؛ به‌ویژه اینکه، چنین تمایلی از سوی باکو نیز دیده می‌شود. این درک تهدید، با خروج نیروهای نظامی دولت شوروی از ایران در سال ۱۹۴۶ و به‌راه‌انداختن جریان خودمختاری آذربایجان توسط آن‌ها برای پیشبرد نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در ایران تشدید شد که سرانجام سبب تأسیس دولتی خودمختار در آذربایجان شد (Bahmani Qajar, 2002: 121).

برای تهران از مهم‌ترین دلایل وجود تهدید در باکو نسبت به یکپارچگی سرزمینی ایران، طرح اتحاد دو آذربایجان و ایجاد آذربایجان بزرگ از سوی حکومت جمهوری آذربایجان است. ابوالفضل ایلچی‌بیگ، دومین رئیس‌جمهور و رهبر جنبش آذربایجان واحد، یکی از مهم‌ترین طرفداران وحدت دو آذربایجان بود. او در موارد متعددی از باور خود به وحدت دو

آذربایجان صحبت کرد و آن را در حداکثر پنج سال تحقق‌پذیر خواند (Souleimanov and Ditych, 2007: 104). این ادعاها، در سال‌های بعد نیز ادامه یافت که شعرخوانی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در مراسم پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ در مورد اینکه «ارس را جدا کردند و آن را با میله و سنگ پُر کردند- من از تو جدا نمی‌شوم، به زور جدایمان کردند»، نمونه‌ای از این ادعاهاست که نوعی دست‌اندازی به یکپارچگی سرزمینی ایران برآورد و با واکنش مقام‌های ایرانی روبه‌رو شد (Rajabi and Rajabi, 2021: 227). بدین ترتیب، همچنان سیاست‌های باکو برای تحریک آذربایجانی‌های ایران برای مطالبه حقوق زبانی و فرهنگی درون ایران به‌عنوان یک اهرم فشار در رابطه با تهران استفاده می‌شود. این هدف‌ها و عملکرد خصمانه باکو نیز با تلاش تهران برای رابطه با جامعه شیعیان جمهوری آذربایجان پاسخ داده می‌شود. در سال‌های پس از استقلال جمهوری آذربایجان با توجه به هم‌جواری جغرافیایی، ازدست‌دادن حمایت مرکزی در شوروی و قدرت بیشتر ایران، این احساس تهدید برای باکو شکل گرفت که در برابر هویت شیعی و تاریخی ایران از میان می‌رود یا قدرت را به گروه وفادار به این شاخص‌های هویتی واگذار می‌کند.

در برابر سیاست ضدایرانی باکو، ایران هم در بحران قره‌باغ از الگوی بی‌طرفی و موازنه تهدید استفاده می‌کند. از زمان آغاز بحران قره‌باغ در سال ۱۹۸۸، ایران ابتدا سیاست بی‌طرفانه به‌کار گرفت. پس از اینکه جمهوری آذربایجان با گرایش به سوی ترکیه، اسرائیل و غرب موجب انتقال هدف‌های خصمانه به تهران شد، ایران به محور ارمنستان و روسیه پیوست (Gresh, 2006: 3). موازنه تهدید در موضوع قره‌باغ همچنان بر روابط باکو و تهران تأثیرگذار است. در نتیجه، سیاست‌های تندروانه و پان‌ترکی باکو، دولت ایران دریافت که از سوی شمال یکپارچگی سرزمینی کشور در معرض تهدید قرار دارد. این احساس تهدید بر روند روابط دو کشور سایه افکنده است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران با داشتن مذهب شیعه و انتخابات و به بیان دیگر، نظام مردم‌سالاری دینی، یک الگوی سیاسی برای مخالفان مذهبی نظام غیردینی جمهوری آذربایجان و حکومت الهام علی‌آف است. بنابراین با توجه به گفتمان صدور انقلاب از سوی ایران و روابط اجتماعی، مذهبی و اقتصادی ایران با مخالفان سیاسی علی‌آف، تهدیدی برای باکو محسوب می‌شود.

### راهبرد موازنه تهدید باکو، فرصت‌ها و چالش‌ها

برهم‌کنش هویتی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران، رویکردهای امنیتی متفاوتی ایجاد کرده است که هر نوع اراده برای نزدیکی روابط دو کشور را متأثر ساخته است. جمهوری آذربایجان در برابر هویت برجسته شیعی و سیاسی ایران، امنیت خود را در پیوستن به غرب و ساختارهای اروپایی آمریکایی جست‌وجو می‌کند. رابطه با اسرائیل نیز هدف‌های چندگانه باکو در رویکردهای امنیتی را تأمین می‌کند. در واقع، الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان تبدیل

منازعه هویتی ایرانی - آذری یا انقلابی شیعی - ایرانی در برابر نظام غیردینی آذری به منازعه ایرانی - اسرائیلی بوده است.

### الف) فرصت‌ها و چالش‌های باکو در رابطه با اسرائیل

با وجود برهم‌کنش ریشه‌ای ایران و اسرائیل، باکو با برقراری رابطه با اسرائیل و گسترش این روابط و ایجاد ناامنی در مرزهای ایران می‌کوشد تهران را ناگزیر از تعامل و مدارا با باکو و تجدیدنظر در رابطه با ارمنستان کند. علاوه بر احساس تهدید باکو از سوی ایران، علت‌ها، هدف‌ها و انگیزه‌های دیگری چون ملاحظه‌های ژئواستراتژیک در رابطه با تل‌آویو و ملاحظات راهبردی در رابطه با غرب، نوسازی نظامی جمهوری آذربایجان، منافع اقتصادی در روابط انرژی و مسئله آزادسازی قره‌باغ نیز دخالت دارند. البته مسئله ایران در سیاست اسرائیل در برابر جمهوری آذربایجان نیز بسیار مؤثر است؛ اما این الگوی رفتاری باکو، هزینه‌ها و چالش‌هایی نیز برای باکو به همراه داشته است.

### جنبه‌های روابط باکو و تل‌آویو

روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل ماهیت چندوجهی دارد. تشکیل روابط باکو و تل‌آویو به سال ۱۹۹۲ بازمی‌گردد؛ اما همچنانکه الهام علی‌آف از این روابط به کوه یخ تعبیر می‌کند، همواره بخش قابل توجهی از آن پنهان مانده است (Grove, 2012). بنیان این روابط، در سال ۲۰۰۹ با سفر شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل به باکو محکم شد (Rafat Nezhad and Others, 2016: 130). البته شایان توجه است پیش از استقلال جمهوری آذربایجان و دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی، انجمن‌های دوستی یهودی در تشکیلات و سازمان‌های گوناگون، کمک به نفوذ اسرائیل در منطقه را آغاز کردند (Aras, 1998: 67). اگرچه دلیل اصلی تشکیل روابط باکو و تل‌آویو، جنگ اول قره‌باغ در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ بود که آذربایجان توانست از اسرائیل تسلیحات بخرد (Cagaptay and Murinson, 2005). بنیان این رابطه مبتنی بر چهار دلیل و انگیزه است: ۱. حضور جامعه کوچکی از تات‌ها یعنی یهودیان قدیمی موسوم به یهودیان کوهستانی در جمهوری آذربایجان (Aliyev, 2000)؛ ۲. موازنه تهدید با ایران؛ ۳. بهره‌مندی از لابی صهیونیستی در آمریکا و اروپا برای موازنه با دیاسپورای ارمنی؛ ۴. همکاری‌های فنی، نظامی و اقتصادی در بخش انرژی.

انگیزه‌ها و هدف‌های برابر اسرائیل نیز موجب تأمین هدف‌های جمهوری آذربایجان در این رابطه و هدف‌های یاد شده است (Javedanfar, 2021). این رژیم در چارچوب راهبرد «اتحاد پیرامونی» روابط خود را با کشورهای غیرعربی منطقه گسترش داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کشورهای قفقاز جنوبی، گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان اشاره کرد. در این میان، جمهوری آذربایجان بیشترین ارتباط را با این رژیم در زمینه مسائل دفاعی و اطلاعاتی برقرار کرده است (Rajabi and Rajabi, 2021: 220). به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر، با

قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران در جایگاه دشمنی نزدیک در راهبرد نظامی و امنیتی اسرائیل، جمهوری آذربایجان به دلیل ظرفیتی که در انتقال تهدید به مرزهای ایران دارد و همکاری اطلاعاتی و امنیتی با باکو علیه ایران، اهمیت بیشتری یافته است. از این رو، اسرائیل تلاش بیشتری برای تطمیع جمهوری آذربایجان کرده و کوشیده است پایگاه‌هایی در خاک این کشور را در اختیار گیرد که برخی نزدیک به مرزهای ایران است. در ادامه، جزئیات بیشتری از این روابط را بررسی می‌کنیم.

جمهوری آذربایجان که در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون (که پرداختن به آن‌ها خارج از چارچوب این نوشتار است) از آمریکا دور مانده است، هدف‌های خود در رابطه با واشینگتن را به وسیله این رژیم تأمین می‌کند؛ مانند نوسازی ارتش جمهوری آذربایجان که بخش مهمی از همکاری‌های نظامی و امنیتی میان باکو و تل‌آویو را تشکیل می‌دهد. باکو تاکنون سلاح‌های تدافعی و تهاجمی گوناگونی از اسرائیل دریافت کرده است. به گونه‌ای که براساس گزارش پایگاه بین‌المللی «پژوهش‌های صلح استکهلم» صادرات تسلیحات اسرائیل به جمهوری آذربایجان ۱۷ درصد از کل صادرات تسلیحات آن به جهان در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ را تشکیل می‌دهد (Shokri, 2021). به گزارش این پایگاه در این سال‌ها، اسرائیل بیش از ۶۹ درصد از تسلیحات وارداتی جمهوری آذربایجان را تأمین کرده است (Mehdiyev, 2021). بدین ترتیب، در حالی که در سال ۲۰۱۲ خرید تسلیحاتی جمهوری آذربایجان از اسرائیل بیش از ۱٫۶ میلیارد دلار بود، این رقم در سال ۲۰۱۶، به ۶ میلیارد دلار رسید. هواپیماهای بدون سرنشین رتبه نخست در میان تسلیحات سفارشی باکو به تل‌آویو را به خود اختصاص داده است. ارتش جمهوری آذربایجان به پهپادهای اسرائیلی مجهز و وابسته شده است (Delanoë, 2021).

براساس اسناد منتشرشده در ویکی‌لیکس، بنا بر توافق سپتامبر ۲۰۰۸ جمهوری آذربایجان و اسرائیل، تهیه بخشی از مهمات سفارشی باکو به شرکت سولتام<sup>۱</sup> واگذار شده است. تأمین خمپاره‌اندازها و مهمات مربوط، وسایل ارتباطی، توپخانه‌های موشکی، به‌روزرسانی سامانه‌های قدیمی ۱۲۲ میلی‌متری گراد شوروی، سامانه‌های هدایت موشک‌های ۱۲۲ تا ۳۰۰ میلی‌متری و پرتاب‌گرهای موشک‌های ۳۰۰ میلی‌متری از تعهدهای تل‌آویو به باکو بودند (Sajin, 2021). شرکت دفاعی البیت سیستم<sup>۲</sup> ضمن افتتاح نمایندگی در جمهوری آذربایجان، تأمین بخش دیگری از نیازهای تسلیحاتی باکو را برعهده دارد (Middle East Monitor: 2019). ترکیه نقش مهمی در گسترش همکاری‌های نظامی و فنی باکو و تل‌آویو داشته است. اسرائیل بخشی از سفارش‌های تسلیحاتی جمهوری آذربایجان را در خاک ترکیه تهیه و مونتاژ می‌کند. در جدول ۱، فهرستی از مهم‌ترین درخواست‌های تسلیحاتی جمهوری آذربایجان اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ آمده است.

- 
1. SIPRI
  2. Soltam
  3. Elbit Systems

جدول شماره ۱. درخواست‌های تسلیحاتی جمهوری آذربایجان از اسرائیل

سال تحویل	سال	تعداد	نوع
--	۲۰۰۵	۶	موشک‌انداز چندگانه متحرک
--	۲۰۰۵	۵۰	موشک‌های هدایت‌شونده
--	۲۰۰۷	۴	هواپیماهای بدون سرنشین
۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳	۲۰۰۸	۱۰	پهپاد تاکتیکی هرمس-۴۵۰
۲۰۱۰ تا ۲۰۰۹	۲۰۰۸	۱۰۰	موشک‌های ضدتانک
۲۰۱۱ تا ۲۰۱۰	۲۰۰۸	۱۰	خمپاره‌های متحرک ۱۲۰ میلی‌متری
۲۰۱۰	۲۰۰۸	۵	توپخانه خودکششی ۱۵۵ میلی‌متری
۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲	۲۰۱۰	۱۰	هواپیماهای بدون سرنشین رصدی
بخشی از قرارداد ۱,۶ میلیارد دلاری بود که در سال ۲۰۱۶ تحویل شد.	۲۰۱۱	۱	سامانه موشکی زمین به هوا
	۲۰۱۱	۴۰	رهگیرهای باراک ایی آر
	۲۰۱۱	۴۰	رهگیرهای باراک ال‌آرای دی
	۲۰۱۱	۵	پهپاد تاکتیکی هرمس-۴۵۰
	۲۰۱۱	۵	هواپیمای بدون سرنشین جست‌وجوگر
در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ در آذربایجان تولید شد.	۲۰۱۳	۶	شناورهای گشت دریایی
۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵	۲۰۱۳	۶	قایق سریع گشتی شلداگ
۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸	۲۰۱۳	۲۵۰	موشک‌های سطح‌به‌سطح هدایت‌شونده
--	۲۰۱۳	۱۰۰	موشک‌های ضدتانک
۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸	۲۰۱۴	۱۰۰	پهپاد انتحاری هاروپ
۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸	۲۰۱۵	۱۰۰	خودروهای زرهی
۲۰۱۶	۲۰۱۵	۱۰	سیستم موشکی ضدتانک هدایت‌شونده
۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۵۰	موشک‌های ضدتانک هدایت‌شونده
۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ تولید و مونتاژ قطعات در جمهوری آذربایجان انجام شد.	۲۰۱۶	۱۰۰	پهپاد اوربیتل-۱ کی
۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷	۲۰۱۶	۱۰	پهپادهای تاکتیکی اوربیتل ۳
۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰	۲۰۱۶	۲۵۰	پهپاد اسکای استرایکر
۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲	پهپادهای تاکتیکی هرمس ۹۰۰
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۴	سامانه موشکی شبه بالستیک سیار لورا
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۵۰	موشک‌های سطح به سطح لورا
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۱۰	خودروی حمل مهمات ۱۲۰ میلی‌متری
۲۰۲۰	۲۰۱۹	۱۰۰	موشک‌های سطح به زمین اسپایک

Source: Delanoë, 2021

آموزش نظامی نیروهای جمهوری آذربایجان از دیگر حمایت‌های نظامی تل‌آویو از باکو به‌ویژه در جنگ‌های دهه‌ی اخیر این کشور با ارمنستان در قره‌باغ است. علاوه بر حمایت‌های اطلاعاتی و نظامی، باکو از حمایت سیاسی اسرائیل نیز برخوردار است. لابی یهود در واشینگتن نقش مهمی در موضع ناظرگونه آمریکا در برابر تحرک‌های نظامی جمهوری آذربایجان داشته است (Mamedov, 2021). همچنین شرکت‌های اسرائیلی سهم قابل توجهی در دو شرکت مخابراتی فعال در جمهوری آذربایجان دارند. گفتنی است در سال ۲۰۲۱ دفتر توسعه تجارت و گردشگری جمهوری آذربایجان در اسرائیل افتتاح شد. به‌نظر برخی تحلیلگران پیش‌درآمدی برای افتتاح سفارت باکو در تل‌آویو است که با وجود چند دهه روابط نزدیک جمهوری آذربایجان و اسرائیل، به‌دلیل ترس از واکنش‌های داخلی و خارجی در جهان اسلام به تعویق افتاده است (Mamedov (b), 2021). در برابر، باکو ۴۰ درصد نفت مورد نیاز این رژیم را تأمین می‌کند که از راه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان که از مهم‌ترین طرح‌های مشترک اقتصادی جمهوری آذربایجان و اسرائیل است به آن منتقل می‌شود (Shokri, 2021). براساس داده‌های پایگاه کام ترد سازمان ملل، نفت خام صادراتی جمهوری آذربایجان به اسرائیل در سال ۲۰۲۰ به میزان ۴۳۴،۴۴ میلیون دلار ارزش داشته است (Department of Economic and Social Affairs, 2021). دلیل‌های جذابیت جمهوری آذربایجان برای اسرائیل را نیز می‌توان چنین برشمرد:

۱. همسایگی جمهوری آذربایجان با ایران و قراردادن جمهوری آذربایجان در ژئوپلیتیک راهبرد نفوذ پیرامونی اسرائیل؛
۲. نظام سیاسی غیردینی باکو و همکاری در شیعه‌ستیزی؛
۳. هویت قومی جمهوری آذربایجان و کمک به تحریک گسل‌های قومی و مذهبی منطقه با تحریک و تقویت گروه‌های تجزیه‌طلب آذری (پان‌آذری‌گرایی)؛
۴. نیازهای اقتصادی و فنی جمهوری آذربایجان به غرب و تأمین‌نشدن مستقیم آن‌ها و در نتیجه، ایجاد فرصت نفوذ برای اسرائیل؛
۵. توانایی لابی یهود در تأمین هدف‌های سیاسی و امنیتی باکو در رابطه با غرب و در برابر لابی ارامنه؛
۶. ژئواکونومی ویژه جمهوری آذربایجان از نظر قرارگرفتن در طرح‌های بالقوه راه‌گذرهای شرق به غرب و داشتن ذخایر مناسب و تأمین فرصت‌های اقتصادی نیاز انرژی اسرائیل.

1 Baku-Tbilisi-Ceyhan pipeline (BTC)

2 The United Nations COMTRADE



### انگیزه‌ها و هدف‌های ضدایرانی باکو و تل‌آویو

اسرائیل در رابطه با جمهوری آذربایجان، راهبردهای متعدد و شبکه‌ای خود علیه ایران را از راه‌هایی مانند شیعه‌ستیزی، تحریک ایران‌ستیزی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تحریک قومیت‌گرایی در ایران و منطقه، دسترسی اطلاعاتی و امنیتی به سرزمین ایران و ارتباط با گروه‌های مخالف ایرانی دنبال می‌کند تا هم‌زمان با افزایش نفوذ خود در باکو، نفوذ ایران در جمهوری آذربایجان را ضعیف‌تر کند (Ebrahimi Kiapei and Zarei, 2020: 143). ایجاد ناامنی و تلاش برای بقا از مهم‌ترین دلایل تلاش اسرائیل برای نفوذ در جمهوری آذربایجان است. بر اساس این راهبرد، افزایش تنش در مرز ایران یا لبنان‌سازی جمهوری آذربایجان برای ایران در مقابل تهدید حزب‌الله لبنان برای تل‌آویو، به‌نوعی تهران را از اولویت خود یعنی، برهم‌کنش با اسرائیل دور می‌کند. شواهد نشان می‌دهد مهم‌ترین کاربرد جمهوری آذربایجان برای تل‌آویو، دسترسی عوامل سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل به آن کشور و استفاده از آن برای انواع اقدام‌های مخرب علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران است. مجموع برنامه‌های ضدایرانی اسرائیل در جمهوری آذربایجان نیز به معنای تأمین هدف‌های سیاسی و امنیتی باکو در برابر تهران است که شامل این موارد است:

۱. تضعیف سیاسی ایران و در نتیجه، نیاز سیاسی تهران به بهبود روابط با جمهوری آذربایجان؛
۲. تضعیف امنیتی ایران و در نتیجه، کاهش تمرکز تهران در برابر سیاست‌های قوم‌گرایانه باکو در مناطق ترک‌نشین ایران؛
۳. تضعیف امنیتی ایران و کاهش تمرکز تهران در هدف‌های تهاجمی علیه باکو؛
۴. مقابله و کاهش نفوذ فرهنگی - مذهبی ایران در جمهوری آذربایجان.

### چالش‌ها و تهدیدهای باکو در رابطه با تل‌آویو

با سقوط اتحاد شوروی و تشکیل جمهوری‌های جدید از جمله جمهوری آذربایجان که به دلیل اسلامی‌بودن و همسایگی با غرب آسیا می‌توانستند به دشمنان منطقه‌ای اسرائیل تبدیل شوند، این کشور مورد توجه مقام‌های تل‌آویو قرار گرفت. دلایل ژئوپلیتیکی و سیاسی نیز اهمیت این توجه را بیشتر کرد. دلیل اصلی این توجه، ایجاد سد در برابر تلاش‌های عربی و ایرانی برای نفوذ در جمهوری‌های جدید بود که از هر طرف عربی یا ایرانی با موفقیت روبه‌رو می‌شد، می‌توانست این کشورها را به کشمکش عرب و اسرائیل یا منازعه ایران و اسرائیل وارد کند. به این دلیل، اسرائیل کوشید با دادن امتیازهای فنی و اقتصادی در برابر نزدیکی فرهنگی و مذهبی کشورهای عربی و ایران با مردم جمهوری‌های مسلمان‌نشین، از جمله جمهوری آذربایجان مقابله کند. البته گسترش دامنه نفوذ به مرزهای روسیه، وارث اصلی اتحاد شوروی هم نقش

برجسته‌ای در سیاست اسرائیل با حمایت آمریکا در منطقه داشت. در حالی که روابط مستقیم ایالات متحد با جمهوری‌های تازه‌تأسیس از جمله جمهوری آذربایجان می‌توانست با واکنش روسیه روبه‌رو شود، رابطه اسرائیل با این کشورها و حمایت اقتصادی و فنی از آن‌ها، حساسیت کمتری در مسکو برمی‌انگیخت. حکومت علی‌اف روابط خوبی با یهودیان ساکن جمهوری آذربایجان دنبال کرد و یهودیان از آزادی عمل زیادی در جمهوری آذربایجان برخوردار شدند (Javedanfar, 2021).

به هر حال، تلاش اسرائیل برای ایفای نقشی فعال در امور جمهوری آذربایجان، از نظر سیاسی و اقتصادی و از نظر نظامی و نیز نظر اقتصادی با موفقیت‌هایی همراه بوده است، ولی حضور گسترده اسرائیل تهدیدها و چالش‌هایی هم برای باکو ایجاد کرده است. بدین معنا، با وجود اینکه باکو و تل‌آویو منافع همدیگر در مورد دشمن مشترک را تأمین می‌کنند، روابط آن‌ها مؤلفه‌های رابطه راهبردی اصیل را ندارد و بیشتر به وابستگی راهبردی جمهوری آذربایجان به اسرائیل تبدیل شده است. از سوی دیگر، روابط میان جمهوری آذربایجان و اسرائیل برای افکار عمومی آذربایجان حساس است که بیشتر مسلمان شیعه هستند. در حالی که اسرائیل در باکو سفارت دارد، جمهوری آذربایجان هنوز در اسرائیل سفارت ندارد. نفوذ سیاسی اسرائیل در جمهوری آذربایجان چالشی بلندمدت برای باکو محسوب می‌شود. همچنین است حضور گسترده اسرائیل در طرح‌های انتقال انرژی جمهوری آذربایجان، که با وجود فرصت‌های اقتصادی، تهدیدها و چالش‌هایی را برای این کشور تک‌محصولی دارد (Delanoë, 2021).

### چالش‌ها و تهدیدهای موازنه تهدید برای جمهوری اسلامی ایران

راهبرد موازنه تهدید جمهوری آذربایجان در رابطه با ایران، با استفاده از برهم‌کنش تهران و تل‌آویو، برای جمهوری اسلامی ایران چالش‌ها و تهدیدهایی را در حوزه امنیت ملی به همراه داشته است که در دو بخش نظامی و سیاسی ارزیابی می‌شود. اسرائیل تلاش کرده است با استفاده از اقدام‌هایی مانند ایجاد سامانه‌های راداری پیشرفته و پایگاه‌های استراق سمع در همسایگی ایران، احساس تهدید و ناامنی را به تهران منتقل کند. دغدغه اصلی ایران در مورد روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل، استقرار پایگاه این رژیم در مرزهای ایران و استفاده پهنادهای جاسوسی از خاک جمهوری آذربایجان علیه ایران است (Omidi and Kheiri, 2016: 152). پیامد سیاسی این تهدید امنیتی بر رابطه تهران و باکو نیز دستاوردی برای اسرائیل محسوب می‌شود. اما تبدیل برهم‌کنش باکو و تهران به برهم‌کنش تهران و تل‌آویو، در رابطه با ایران، با وجود ایجاد فرصت‌هایی برای جمهوری آذربایجان، چالش‌هایی نیز برای باکو دارد. با توجه به سیاست‌های آشکارا ضدایرانی جمهوری آذربایجان، به‌ویژه با استفاده از رابطه با اسرائیل، در افکار عمومی ایران، باکو یکی از منابع تهدید برای

تهران محسوب می‌شود. به بیانی، در امتداد چالش‌های وجود اقوام و اقلیت‌های ایرانی، روابط دوستانه باکو و تل‌آویو یک محور وحدت ملی برای ایرانیان در برابر جمهوری آذربایجان است. در همین حال، رقابت و همکاری اسرائیل و ترکیه برای تشدید مناقشه قومی و مذهبی میان تهران و باکو، با وجود تأمین منافع تاکتیکی باکو، چالش و تهدیدی بلندمدت برای جمهوری آذربایجان نیز محسوب می‌شود (Vatanka, 2021).

سناریویی در این میان مطرح است که بدبینی تهران به باکو، در مقابل اعتماد تهران به ایروان و تغییر مسیر طرح راه‌گذر شمال-جنوب از مسیر ارمنستان، می‌تواند به حذف جمهوری آذربایجان از یک فرصت اقتصادی بلندمدت منجر شود (Mamedov, 2021). اجرایی کردن راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب، آثار مثبتی بر توسعه کشورهای سهم در این طرح خواهد داشت. راه‌گذر شمال-جنوب می‌تواند اروپای شمالی را به جنوب شرق آسیا متصل کند. طرح این راه‌گذر از راه اتصال سامانه‌های ریلی سه کشور ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان است که می‌تواند خلیج فارس را از ایران و جمهوری آذربایجان به بندرهای گرجستان و روسیه وصل کند و ظرفیت انتقال چندین میلیون تُن بار در سال را داشته باشد. در برابر چالش‌ها و تهدیدهایی که راهبرد موازنه تهدید باکو در برابر تهران دارد، میان دو ملت ایران و جمهوری آذربایجان متغیرهای اصیل و پایداری وجود دارند که در بلندمدت توانایی خنثی کردن این راهبرد را دارند. مؤلفه‌هایی چون قرارگرفتن در جهان اسلام و مذهب مشترک، تاریخ و فرهنگ مشترک و موقعیت ژئوپلیتیک، استراتژیک و ژئواکونومیک مشترک که به الزام‌های حیاتی مشترک منجر می‌شود.

### نتیجه

نخستین مبنای نزدیکی جمهوری آذربایجان و اسرائیل موقعیت ژئوپلیتیک، مبنای دوم همکاری نظامی و اطلاعاتی، به‌ویژه با توجه مناقشه قره‌باغ و سرانجام فرصت اقتصادی دوجانبه است. در سطح ژئوپلیتیک، معرفی ایران به‌عنوان دشمن مشترک، مهم‌ترین عنصر متحدکننده باکو و تل‌آویو است. با استفاده از نظریه سازه‌نگاری می‌توان گفت چرا هویت سیاسی مذهبی و قومی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران به یکی از مهم‌ترین منابع بینادهنی قوام‌بخش روابط باکو و تل‌آویو تبدیل شده است و جمهوری آذربایجان با استفاده از راهبرد موازنه تهدید در سطح داخلی و منطقه‌ای توانسته است روابط خود با اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران را تنظیم کند.

سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، نتیجه عوامل متعددی همچون دشمنی سیاسی حاکمان باکو، بی‌اعتمادی تاریخی، رقابت و نیازهای

راهبردی است که هم‌زمان با هم در حرکت هستند و در مواردی تداخل پیش‌رانی دارند. این عوامل و مبانی هویتی به تقویت راهبرد موازنه تهدید باکو کمک کرده است. جمهوری آذربایجان از الگوی راهبردی موازنه تهدید در مورد جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند. ایجاد رابطه با رقیبان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران و ارائه فرصت‌های جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی به آن‌ها برای تهدید منافع ایران و تأکید بر جغرافیای قومی و خطر تجزیه‌طلبی در بخش‌های ترک‌نشین ایران از این اقدام‌ها است که رابطه با اسرائیل را در همین چارچوب قابل ارزیابی می‌کند. جمهوری آذربایجان از وحدت مذهبی شیعی و دوگانگی فارسی-ترکی احساس تهدید کرده است. از این‌رو، با استفاده از راهبرد موازنه تهدید برای جایگزین کردن آن با تعارض هویت سیاسی ایران و اسرائیل تلاش می‌کند.

### References

- Aghaee, Davod and Elham Rasooli (2009), "Constructivism and Iran's Foreign Policy Toward Israel", **Politics Quarterly**, Vol. 2, No. 9, pp. 1-16, Available at: [https://jppq.ut.ac.ir/article\\_20142\\_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf](https://jppq.ut.ac.ir/article_20142_9c7882c0bdbea09f829b500c440b266d.pdf), (Accessed on: 26/07/2022). [in Persian]
- Aliyev, Heydar (2000), "Speech of the President of the Republic of Azerbaijan Heydar Aliyev at the Official Reception in Honour of the National Holiday of Israel", Available at: <http://lib.aliyev-Heritage.org/en/470484.html>, (Accessed on: 4/10/2021).
- Aras, Bulrnt (1998), "Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia", **Middle East Policy**, Vol. 5, No. 4, pp. 61-73, (doi: 10.1111/j.1475-4967.1998.tb00370.x).
- Bahmani Qajar, Mohammad Ali (2002), "The Reflection of Professionalism in the Turkish Press", **Foreign Relations History Quarterly**, Vol. 3, No. 12, pp. 121-150, Available at: <http://www.ensani.ir/fa/article/download/74548>, (Accessed on: 26/07/2022).
- Ehrmann, Maya; Kraus, Josef and Emil Souleimanov (2013), "The Iran-Israel-Azerbaijan Triangle: Implications on Regional Security", **Revista Estudos Políticos**, No. 6, pp. 215-228, Available at: [https://www.researchgate.net/publication/283075185\\_The\\_Iran-Israel-Azerbaijan\\_Triangle\\_Implications\\_on\\_Regional\\_Security](https://www.researchgate.net/publication/283075185_The_Iran-Israel-Azerbaijan_Triangle_Implications_on_Regional_Security) (Accessed on: 14/08/2022)
- Cagaptay, Soner and Alexander Murinson (2005), "Good Relations Between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia?", Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/good-relations-between-azerbaijan-and-israel-model-other-muslim-states-eurasia>, (Accessed on: 8/07/2021).
- Delanoë, Igor (2021), "Israel - Azerbaijan: An Alliance in Search of Renewal", Available at: <https://fmes-france.org/israel-azerbaijan-an-alliance-in-search-of-renewal/>, (Accessed on: 28/07/2021).

- Department of Economic and Social Affairs (2021), "2020 International Trade Statistics Yearbook", Available at: <https://www.comtrade.un.org/pb/downloads/2020/VolII2020.pdf>, (Accessed on: 5/11/2021).
- Ebrahimi Kiapei, Hadi & Kamal Zarei (2020), "Strategies Conflict between Islamic Republic of Iran and the Zionist Regime in the Caucasian Strategic Area", **Quarterly Journal of Strategic Policy Research**, Vol. 9, No. 32, pp. 125-155. (doi: 10.22054/QPSS.2019.41432.2297). [in Persian]
- Gergon, Kenneth (1997), **Social Constructivism in Context Sage Publication**, Pennsylvania (USA): Swarthmore College.
- Gresh, Geoffrey (2006), "Coddling the Caucasus: Iran's Strategic Relationship with Azerbaijan and Armenia", **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 1, No. 1, pp. 1-13, Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/104431/Full.pdf>, (Accessed on: 26/07/2022).
- Grove, Thomas (2012), "Azerbaijan Eyes Aiding Israel against Iran", Available at: <https://www.reuters.com/article/cnews-us-iran-israel-azerbaijan-idCABRE88T05L20120930>, (Accessed on: 30/09/2021).
- Javedanfar, Meir (2021), "Iran's Threats Could Strengthen Azerbaijan-Israel Relations", Available at: <https://www.mei.edu/publications/irans-threats-could-strengthen-azerbaijan-israel-relations>, (Accessed on: 3/12/2021).
- Kalantari, Fathollah and Peiman Kavianifar (2020), "Prioritize the Threats toward the Islamic Republic of Iran through Southern Caucasus: Strategies and Countermeasures", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 2, pp. (doi: 623-644. 10.22059/JCEP.2020.301239.449920). [in Persian]
- Mamedov (b), Eldar (2021), "How the Budding Azerbaijan-Israel Alliance Is More than Just Good Business", Available at: <https://www.responsiblestatecraft.org/2021/08/11/how-the-budding-azerbaijan-israel-alliance-is-more-than-just-good-business/>, (Accessed on: 17/10/2021).
- Mamedov, Eldar (2021), "Iran-Azerbaijan: A New Cold War?" Available at: <https://www.eurasianet.org/perspectives-iran-azerbaijan-a-new-cold-war>, (Accessed on: 15/10/2021).
- Mehdiyev, Mushvig (2021), "Azerbaijan, Israel Expand Defense Cooperation with New Joint Venture", Available at: <https://www.caspiannews.com/news-detail/azerbaijan-israel-expand-defense-cooperation-with-new-joint-venture-2021-3-26-48/>, (Accessed on: 10/11/2021).
- Middle East Monitor (2019), "Israel Defence Company Sells 'Suicide Drone' to Azerbaijan", Available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20190111-israel-defence-company-sells-suicide-drone-to-azerbaijan/>, (Accessed on: 11/01/2022).
- Momeni, Majidreza and Omid Rahimi (2017), "Iran-Israel Confrontation and Its Impact on the Expansion of Israel and Azerbaijan Political-Security Relations", **Central Eurasia Studies**, Faculty of Law and Political Science, Vol. 10, No. 2, pp. 415-431. (doi:10.22059/JCEP.2018.210209.449655). [in Persian]

- Murinson, Alexander (2014), "The Ties Between Israel and Azerbaijan", **Mideast Security and Policy Studies**, No. 110, pp. 1-40. Available at: <https://www.besacenter.org/wp-content/uploads/2014/10/MSPS110-web.pdf>, (Accessed on: 14/08/2022).
- Navon, Emmanuel (2020), **The Star and the Scepter: A Diplomatic History of Israel Hardcover**, Philadelphia: The Jewish Publication Society.
- Omidi, Ali and Mustafa Kheiri (2016), "The Impact of the Relations between the Republic of Azerbaijan and Israel", **Strategic Studies Quarterly**, Vol. 19, No. 3, pp. 138-158, Available at: [http://www.quarterly.risstudies.org/article\\_41429\\_a2a5762dc0425877731e6e221573f9db.pdf](http://www.quarterly.risstudies.org/article_41429_a2a5762dc0425877731e6e221573f9db.pdf), (Accessed on: 26/07/2022). [in Persian]
- Rafat Nezhad, Samad, Alireza Tanhaee and Abas Maleki (2016), "Strategic Areas of the Presence of the Zionist Regime in the Republic of Azerbaijan", **Journal of Defense Strategy**, Vol. 13, No. 4, pp. 117-152, Available at: [https://www.ds.sndu.ac.ir/article\\_575\\_24181c7d09d018ea8b253c8a39957f11.pdf](https://www.ds.sndu.ac.ir/article_575_24181c7d09d018ea8b253c8a39957f11.pdf), (Accessed on: 26/07/2022). [in Persian]
- Rajabi, Mohammad (2021), "The Military and Security Strategies of the Zionist Regime in Confronting the Islamic Resistance (Case Study: The Syrian Crisis)", **Islamic Awakening Quarterly**, Vol. 10, No. 3, pp. 75-100. (doi: 20.1001.1.23225645.1400.10.3.3.7). [in Persian]
- Rajabi, Mohammad and Hadi Rajabi (2021), "Threats of the Nagorno-Karabakh Conflict to the Security of the Border Areas of the Islamic Republic of Iran", **Journal of Border Science and Technology**, Vol. 10, No. 2, pp. 204-236. (doi: 20.1001.1.25384090.1400.10.2.7.4). [in Persian]
- Saadat Gholipour Azar, Ali (2014), "Investigation of Information-Security Indicators of the Zionist Regime in the Republic of Azerbaijan and National Security of the Islamic Republic of Iran", **Parliament and Strategy**, Vol. 21, No. 78, pp. 149-175, Available at: [https://www.rc.majlis.ir/fa/book\\_pub/show/906083](https://www.rc.majlis.ir/fa/book_pub/show/906083), (Accessed on: 26/07/2022). [in Persian]
- Sajin, Vladimir (2021), "Israel Is Arming Azerbaijan; for What?", Available at: <https://www.ir.sputniknews.com/>, (Accessed on: 26/07/2022). [in Persian]
- Shokri, Omid (2021), "Azerbaijan-Israel Relations and Iran's National Security Concerns", Available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20211016-azerbaijan-israel-relations-and-irans-national-security-concerns/>, (Accessed on: 4/01/2022).
- Souleimanov, Emil and Ondrej Ditrych (2007), "Iran and Azerbaijan: a Contested Neighborhood", **Middle East Policy**, Vol. 14, No. 2, pp. 101-116, (doi: 10.1111/j.1475-4967.2007.00300.x).
- Sozen, Ahmet (2017), "The Role of Azerbaijan in Israel's Alliance of Periphery", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 21, No. 1, pp. 1-9,

- Available at: <https://www.proquest.com/scholarly-journals/role-azerbaijan-israel-s-alliance-periphery/docview/1927955995/se-2> (Accessed on: 14/08/2022)
- Vatanka, Alex (2021), "Azerbaijan and Israel's Encirclement of Iran", Available at: <https://www.mei.edu/publications/azerbaijan-and-israels-encirclement-iran>, (Accessed on: 16/11/2021).
- Walt, Stephan (2005), **Taming American Power: The Global Response to US Primacy**, New York: W.W. Norton.
- Wendt, Alexander (1994), "Collective Identity Formation and the International State", **American Political Science Review**, No. 2, pp. 384-396, (doi: 10.2307/2944711).